# دو فرض در روایت داود رقی

- الف) معلوم بودن اول ماه قبل و امارت رویت صبح بیست و نهم
- ب) معلوم نبودن اول ماه قبل و امارت رویت صبح بیست و نهم

# الف) معلوم بودن اول ماه قبل و امارت رویت صبح بیست و نهم

در روایت داود رقی بودیم. دیروز یک استظهاری را عرض کردم، هچنین پنج قولی که مرحوم آقا رضی خوانساری در کتاب «تکمیل شوارق الشموس» فرموده بودند، عرض شد.

**شاگرد**: در معیاری که دیروز فرمودید، اگر در زمان غدوة مثلاً مقارنه چهار درجه باشد، تا زمان غروب تا بخواهد به ظهور برسد یا از مقارنه در نشده یا مقدار کمی در شده. لذا تا بخواهد هلال متولد شود، تا فردایش باید ماه حرکت کند. لذا طبق این بیانی که شما داشتید، معیار زوال میشود. معیار زمان مغرب نمیشود. یعنی چون تا زوال فردا از تحت‌الشعاع خارج میشود هلال داریم و ماه شروع شده، نه زمان مغرب. این خودش مؤید سید بحر العلوم میشود.

**استاد**: بله، این نکته هست. امروز هم میخواستم دو نکته را راجع به بحث دیروز تذکر بدهم. نکته ی اول این است: روی فرض اینکه اول ماه معلوم است، روایت را معنا کردم. لذا گفتم روی فرض اینکه اول ماه معلوم است، شما میتوانید تنها در بیست و نهم غدوتا بهدنبال هلال بروید. این عرض دیروز من بود. اول ماه معلوم است، اگر سیاه شود میدانیم غدوتا نمیتوانید بهدنبال هلال بروید. چون در سیاه هلال هنوز طلوع نکرده و بعد از طلوع خورشید طلوع میکند. این عرض دیروز من بود. لذا وقتی اول ماه معلوم است قبل از طلوع شمس، در بیست و هفتم، در بیست و هشتم، و بیست و نهم میتوانید قبل از طلوع شمس بهدنبال هلال بروید. همین که سیاه شد دیگر قبل از طلوع هلال ندارید. این عرض من بود.

خُب با این توضیح بیست و هفتم، و بیست و هشتم قطعی البطلان هستند. یعنی کسی که اندک اطلاعی از شرع و عرف داشته باشد، نمیگوید اگر صبح بیست و هفتم ندیدی همان غروبش ماه تمام میشود و ماه بیست و هفت روزه است. نمیگوید اگر بیست و هشتم ندیدید، ماه بیست و هشت روزه میشود. اینها قطعی البطلان است. پس معلوم میشود تنها چیزی که محتمل است صبح بیست و نهم است. این بیان دیروز من بود.

دو نکته الآن میخواهم عرض کنم. یکی همین سؤالی است که شما اشاره فرمودید و دیگری را هم میخواهم الآن عرض کنم. در تتمیم بحث دیروز هستند.

# ب) معلوم نبودن اول ماه قبل و امارت رویت صبح بیست و نهم

یک نکته این است: روایت که نگفته اول ماه معلوم است. روایت می‌گوید «اذا طلب الهلال فی المشرق غدوات فلم یر فهوهاهنا هلال جدید»، می‌خواهد اول ماه معلوم باشد یا نباشد. اگر در روایت تعیین نشده که اول ماه معلوم است یا نه، پس برای «طلب الهلال» دو روز داریم. دو روز معقول. صبح بیست و هفتم، و بیست و هشتم معقول نیست. چون ماه بیست و هشت روزه، و ماه بیست و هفت روزه ندارید. معقول نیست. ولی ماه بیست و نه روزه، و سی روزه داریم. با فرض اینکه اول ماه را ندانیم، طلب هلال در دو روز معقول است. یکی صبح بیست و نهم، یکی صبح سیام تا بگوییم «هاهنا هلال جدید».

**شاگرد**: صبح سیام به چه صورت است؟

**استاد**: اول ماه معلوم نبوده و ما همینطور روزه گرفتیم. الآن صبح سیام است، یا صبح بیست و نهم؟ نمیدانیم. برای ما مشکوک است. در روایت هم نگفته اول ماه قبل، قطعاً معلوم است. می‌گوید «اذا طلب الهلال فی المشرق غدوات». بنابراین اطلاق روایت جایی را می‌گیرد که اول ماه معلوم نبوده و الآن نمیدانیم کدام یک از آنها است. نمیدانیم بیست و نهم است یا سیام است. در اینجا «طلب الهلال» معقول است. اگر سیام باشد، غدوات طلب هلال می‌کنیم. غدوات یعنی قبل از طلوع، تا لحظه طلوع. تعجب این است که این معنای غدوه را کسانی که بحث فرمودهاند، بخصوص علماء اصفهان و بعد هم وحید که بحث کرده‌اند، تذکر نداده‌اند. یعنی تذکر نداده‌اند که در معنای غدوه، قبل از طلوع هست.

**شاگرد**: اینکه می‌فرمایید اول ماه معلوم نبوده چند احتمال برای آن در نظر گرفتید؟ فقط این احتمال را در نظر گرفتید که زودتر شروع کرده باشند؟

**استاد**: مثل اینکه می‌گویند چندین ماه، هوا ابر می شده. «لو تغیمت السنة»، در جواهر و شرایع دارد. کل سال ابر بود، چه کار کنیم؟ چندین ماه ابر بوده، معلوم نبوده که اول ماه شعبان به چه صورت گذشته. حالا هوا صاف شده.

**شاگرد**: سیام که شما می‌فرمایید درواقع بیست و نهم بوده. یعنی یک روز زودتر شروع می‌کردند. اما معقولش این است که اگر طبق ضوابط عمل شده باشد یک روز ای چند روز ممکن است دیرتر شروع کرده باشند. لذا اینکه می‌فرمایید بیست و نهم، ای سیام ممکن است غدوات قابل رؤیت باشد را نتوانستم تصویر کنم.

**شاگرد۲**: یعنی روز سیام که روزه میگیری درواقع ممکن است روز بیست و نهم باشد ای روز سیام باشد.

**استاد**: بله، چرا؟ چون اول ماه معلوم نیست.

**شاگرد**: عرض من این است که این ممکن نیست. روز سیام اگر بخواهد بیست و نهم باشد، مستلزم این است که شما ماه را زودتر شروع کرد باشید.

**شاگرد۲**: نه، چون نمیدانم دیرتر شروع کرده باشم.

**شاگرد:** اگر دیرتر شروع کرده باشید، ممکن است بیست و هشتم ای بیست و نهم باشد. لذا ممکن است غیر از بیست و نهم، بیست و هشتم هم بوده باشد.

**استاد**: اگر ماهها معلوم نباشد؟

شاگرد: بله.

> 08:08

**استاد:** بیست و هشتم بهعنوان اینکه بیست و هشتم است، قطعی الابطلان است. یعنی کسی در صبح بیست و هشتم، سراغ اینکه ماه را ببیند و بعد بگوید همان روز در عصر هلال جدید داریم، یعنی کل ماه بیست و هشت روز باشد. این است که عرض میکنم.

**شاگرد۲:** بهعنوان بیست و هشتم منظور نیست. مثلاً نمی دانستهه. در ذهنش این است که بیست و نهم است و لذا بهدنبال هلال میرود.

**استاد:** بله، مثلاً چند ماه را سی حساب کردهاند، بهخاطر اینکه آنها را سی حساب کردهاند حالا بیست و هشتم است. ولی اگر آنها بیست و نه حساب شده بود کمتر میشد. ای آنها را بیست و نه حساب کردهاند و الآن جلوتر آمدهه... .

**شاگرد۲:** احتمالش هست.

**استاد:** بله، در اینکه چندین ماه معلوم نباشد، محتملات زیاد شود حرفی نیست. ولی بهعنوان بیست و هشتم نه. این منظور من است. بهعنوان چیزی که مجهول است، بله. آن چه که عرض من است آن چیزی است که نوعاً در روایت پیش میآید این است که ما میتوانیم طلب هلال را قبل از طلوع معقول بگیریم، درجایکه نمیدانیم بیست و نه است یا سی است. اگر اول ماه معلوم باشد و بدانیم امروز سی ام است، طلب هلال غدوات معقول نیست. چرا؟ چون قطع داریم که قبل از طلوع هلال ندار یم.

**شاگرد:** پس باید به این صورت بگوییم که این امارهه تنها برای روز بیست و نهم است، اگر در روزهای دیگر هم طلب هلال کردیم به این خاطر است که احتمال میدهیم بیست و نهم باشد. این امارهه تنها برای بیست و نهم است.

**استاد:** بله. لذا این تتمهه عرض دیروز من بود. من که دیروز گفتم برای بیست و نهم است، برای اینکه بحث صاف شود اول ماه را معلوم فرض گرفتم تا عرض من سر برسد. ولی در روایت ندارد که اول ماه معلوم هست. لذا اطلاق روایت آن جایی هم که اول ماه معلوم نیست را میگیرد و معقول است.

اگر طلب کردیم و ندیدیم میتواند روز سیام باشد. یعنی هنوز ماه طلوع نکرده. میتواند هم ماه بیست و نهم باشد، به‌نحوی‌که ای نزدیک مقارنه است ای کمی از آن در شده که با بیست و نهم سازگار شود. این نکته اول.